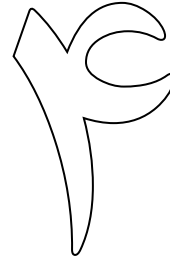


برتری در روابط میان دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای امنیت سازمان ملل متحد



هما یون مافی -

وحید بذآر -

چکیده

سازمان ملل متحد، مؤثرترین سازمان بین‌دولتی است که بیشترین نقش را در روابط میان دولت‌ها ایفا کرده است و بدین سبب، اعتبار قابل‌توجهی در میان تابعان اصلی حقوق بین‌الملل (دولت‌ها) دارد. شورای امنیت به‌عنوان رکن سیاسی و دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی این سازمان، نقش مؤثری در کسب این اعتبار داشته‌اند؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد اغلب آورده‌های سازمان ملل متحد برای حقوق بین‌الملل، به‌واسطه فعالیت‌های این دو رکن است. در عین حال، به علت سکوت منشور، ارتباط میان این دو رکن در زمینه‌های مختلف همواره مورد بحث بوده است. این مقاله سعی دارد تا با تشریح ارتباط میان این دو رکن از طریق بررسی مسائلی همچون امکان طرح هم‌زمان یک موضوع در دیوان و شورا؛ امکان پرداختن دیوان به مسائل سیاسی و امکان پرداختن شورا به موضوعات حقوقی؛ امکان ایجاد صلاحیت برای دیوان از سوی شورا و امکان نظارت قضایی دیوان بر شورا؛ به این چالش اصلی پاسخ دهد که آیا در رابطه میان این دو رکن، برتری و رجحانی قابل تصور است یا خیر؟

واژگان کلیدی: شورای امنیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، سازمان ملل متحد

— دانشیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری. (Email: Hmynmafi@yahoo.com)

— دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی. (Email: vahidbazzar@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۰

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۹۶-۸۳

جستار گشایی

شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان مسئول اولیه و اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌رود و به‌واسطه داشتن همین مسئولیت خطیر است که خط‌مشی کلی سازمان ملل متحد، عملاً بر اساس اقدامات شورا شکل می‌گیرد. از طرف دیگر، دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی ملل متحد به حل و فصل اختلاف میان دولت‌ها می‌پردازد. اعضای تشکیل‌دهنده این دو رکن اصلی سازمان ملل متحد به‌ظاهر با یکدیگر یکسان هستند، ولی در ماهیت این‌گونه نیست. به‌عبارت‌دیگر، با اینکه ارکان از افراد انسانی تشکیل می‌شوند، در شورای امنیت این افراد، صرفاً نمایندگان یک دولت-کشور می‌باشند و می‌توان گفت که شورا برخلاف دیوان از دولت‌ها تشکیل شده است؛ درحالی‌که دیوان یک هیئت قضایی است که از باتجربه‌ترین قضات و حقوقدانان بین‌المللی بهره می‌برد.

بنابراین درخصوص امکان رسیدگی به یک اختلاف نیز، تفاوتی اساسی میان دیوان و شورا وجود دارد. بدین ترتیب که برخلاف دیوان، رسیدگی در شورای امنیت نیاز به رضایت طرفین اختلاف ندارد و در شروع به رسیدگی در شورا، لزومی به ارجاع اختلاف از سوی طرفین اختلاف نیست (۱)، درحالی‌که به‌موجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان، شروع به رسیدگی در دیوان منوط به رضایتی است که طرف‌های اختلاف به شرح مقرر در بند ۱ و ۲ ماده ۳۶ اساسنامه (۲)، ابراز می‌دارند (سیفی، ۱۳۸۹: ۱۹) (۳).

این مقاله از سه قسمت تشکیل شده است. در بخش نخست، به مواردی که ممکن است به‌عنوان مصادیقی درخصوص برتری موقعیت دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به شورای امنیت سازمان ملل ذکر شود، اشاره خواهیم کرد و این نظریه را مورد مذاقه قرار خواهیم داد. در بخش دوم، موارد احتمالی قابل ذکر درخصوص برتری جایگاه شورا نسبت به دیوان به‌طور مسوط بررسی خواهد شد و در بخش سوم سعی خواهیم کرد تا از مباحث مطروحه در دو گفتار قبلی به نتیجه‌ای درخصوص موضوع دست پیدا کنیم.

۱. بررسی برتری موقعیت و جایگاه دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به شورای امنیت

۱-۱. بررسی امکان پرداختن دیوان به مسائل سیاسی

دیوان بنا به رویه خویش و همان‌طور که در قضیه گروگانگیری و نیکاراگوئه بیان داشت، ضمن وقوف به ابعاد سیاسی، اختلافاتی که در محضر وی طرح می‌شوند، وظیفه خود را

حل و فصل قضایی مسئله می‌داند و در مقامی نیست که نقش سیاسی ایفا کند؛ هرچند بهره‌برداری سیاسی از تصمیم‌های قضایی دیوان منتفی نیست (سیفی، ۱۳۸۲: ۴۳). دیوان همچنین در نظریه مشورتی آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در رد ایراد وارده مبنی بر سیاسی بودن درخواست مجمع عمومی اعلام می‌دارد که: «جنبه‌های سیاسی موضوع طرح شده هر چه باشد، دیوان نمی‌تواند ماهیت حقوقی یک درخواست اساساً حقوقی را که از وی تقاضا شده است، نادیده بگیرد». همچنین در ادامه می‌افزاید که در نظر خود در قضیه مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای اعلام داشته است که: «ماهیت سیاسی انگیزه‌هایی که باعث تقاضای نظر مشورتی می‌شود و آثار و تبعات سیاسی نظر مشورتی ارائه شده، ربطی به احراز صلاحیت دیوان در صدور چنین نظری ندارد» (۴).

شورای امنیت علاوه بر این که می‌تواند موارد حقوقی را به دیوان بسپارد (۵)، در برخی موارد نیز می‌تواند به مسائلی با ماهیت حقوقی بپردازد. شورا در بند ۳ قطعنامه ۷۳۱ خود در قضیه لاکربی، شخصاً و مستقیماً خواهان استرداد دو متهم لیبیایی نمی‌شود، بلکه درخواست‌های دولت‌های انگلستان و آمریکا را که محتوایی کاملاً قضایی دارند، مورد تأیید تام قرار می‌دهد. شورای امنیت با این اقدام خود، قضاوت دولت‌های خواهان را مورد حکم قرار داده و صحت آن را تأیید قرار می‌کند (موسی‌زاده و کوهی، ۱۳۸۹: ۲۴۱-۲۴۰).

۱-۲. امکان نظارت قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری بر شورای امنیت

از زمان ایجاد سازمان ملل متحد تاکنون، برای رکن قضایی آن (دیوان) در چهار مورد (قضیه لاکربی، نظریه مشورتی نامیبیا، قضیه بوسنی هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو و قضیه هزینه‌های خاص) این فرصت ایجاد شده بود تا درخصوص مشروعیت اقدامات رکن سیاسی سازمان (شورای امنیت) اظهار نظر کند.

در قضیه لاکربی، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌هایی (۶)، با نادیده گرفتن اصل یا محاکمه‌کن یا مستردکن،^۱ استرداد دو تبعه لیبیایی را از دولت لیبی خواستار شد (Plachta, 2001: 135-136). در واقع، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۷۴۸، شرایطی را ایجاد کرد که مانع از صدور دستور موقت درخواست شده از سوی دولت لیبی شد. دیوان این‌گونه استدلال کرد که بر اساس مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور، قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت بر سایر تعهدات مخالف، از جمله کنوانسیون مونترال (۱۹۷۱)، اولویت و برتری دارند (۷).

در نظریه مشورتی آثار حقوقی حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا (۸)، دیوان در پاسخ به ادعای آفریقای جنوبی درخصوص بی‌اعتباربودن قطعنامه ۲۸۴ شورا (۱۹۷۰) اعلام کرد که برای دیوان در مورد نظارت قضایی یا تجدیدنظر از تصمیمات متخذه سایر ارکان سازمان ملل، اختیاری متصور نیست. ولی دیوان به سبب اعمال وظیفه قضایی خویش در جهت بررسی ابهامات مطروحه به این موضوع رسیدگی می‌کند (۹). دیوان باوجود اظهارنظرش مبنی بر عدم صلاحیت تجدیدنظر یا بررسی قضایی اقدامات ارکان سازمان ملل، روند صدور قطعنامه ۲۴۸ شورای امنیت را بررسی کرد و نتیجه گرفت که قطعنامه مزبور مطابق با مفاد منشور ملل متحد صادر شده است (Roberts, 1995: 298). در قضیه بوسنی هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو (۱۰)، دیوان باوجود اینکه در دستور موقت خود، استدلال دولت بوسنی مبنی بر این‌که استفاده از حق ذاتی دفاع مشروع مستلزم داشتن وسایل و ابزار دفاعی از جمله تسلیحات مناسب است را می‌پذیرد، درخواست دولت بوسنی مبنی بر لغو تحریم تسلیحاتی (موضوع قطعنامه ۷۱۳ شورا در سال ۱۹۹۱) را مغایر حقوق بین‌الملل اعلام می‌کند (۱۱). دیوان همچنین در نظریه مشورتی دیوان درخصوص هزینه‌های خاص سازمان ملل متحد بیان می‌کند: «در ساختار ملل متحد برخلاف نظام‌های حقوقی ملی، هیچ آئینی برای تشخیص اعتبار اعمال ارگان‌ها پیش‌بینی نشده است» (۱۲). همان‌طور که از رویه دیوان برمی‌آید، این رکن تمایلی به بررسی اقدامات شورای امنیت ندارد. همین رویکرد را شورای امنیت در قبال دیوان در پیش گرفته است. به‌استثنای قضیه لاکربی که یک مورد استثنایی محسوب می‌شود، شورای امنیت همواره تلاش می‌کند تا در موضوعات مورد رسیدگی در دیوان، دخالتی نداشته باشد. نمونه بارز این مطلب، رویکرد شورای امنیت در قضیه نفت ایران-انگلیم است. در پرونده مزبور، خواهان (دولت انگلستان) پس از امتناع خوانده (دولت ایران) از اجرای دستور موقت دیوان، مسئله را در شورای امنیت مطرح کرد که شورای امنیت پس از بررسی مواضع طرفین تصمیم می‌گیرد که تا پایان کار دیوان، در این خصوص اقدامی انجام ندهد.

۱-۳. بررسی امکان طرح هم‌زمان یک موضوع در دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای امنیت سازمان ملل متحد

شورا و دیوان، صلاحیتشان را به‌طور مجزا اعمال می‌کنند؛ یعنی یک اختلاف ممکن است به‌طور هم‌زمان در این دو رکن رسیدگی شود. حتی اصل اعتبار امر مختومه^۱ نیز در روابط میان این دو رکن مطرح نمی‌شود (Fassbender, 2000: 223). با وجود محدود بودن فعالیت مجمع عمومی در قبال موضوعات مورد بررسی در شورای امنیت (ماده ۱۲ منشور ملل متحد)، برای دیوان بین‌المللی دادگستری هیچ مانعی در پرداختن به چنین مسائلی متصور نیست و در صورت طرح هم‌زمان یک موضوع در شورای امنیت و دیوان، هیچ محدودیتی مقرر نشده است (Cronin-Furman, 2006: 442). دیوان در قضیه نیکاراگوئه (رای صلاحیتی ۱۹۸۴) چنین بیان می‌کند که مسئولیت شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی طبق ماده ۲۴ منشور، مسئولیتی اصلی است، نه انحصاری و در حالی که شورای امنیت صلاحیت‌های سیاسی دارد، دیوان تنها دارای اشتغال‌های قضایی است. پس این دو رکن قادرند فعالیت‌های متفاوت اما مکملی را در حوادث مشابه و یکسان داشته باشند (Gray, 2003: 870&871) (۱۳). همچنین در قضیه کارکنان دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا در ایران، دیوان استدلال ایران مبنی بر این‌که موضوع مطروحه بخشی از یک اختلاف سیاسی کلی میان دو کشور است که در شورا امنیت سازمان ملل مورد بررسی است را نپذیرفت (Akande, 1997: 313).

با اینکه به‌طور متداول و به سبب ماهیت این دو مرجع، اختلاف‌های حقوقی نزد دیوان و اختلاف‌های سیاسی در شورای امنیت مطرح می‌شود، در عین حال این دو رکن می‌توانند در مواردی به هر دو دسته اختلاف‌ها بپردازند. در قضایایی همچون مسئله قبرس، آفریقای جنوبی، آنگولا، رودزیای جنوبی، بوسنی هرزگوین و سومالی، این دو رکن یک مسئله مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را به‌طور موازی مورد بررسی قرار دادند. در واقع، این یک تمایل دوسویه است. شورای امنیت نیز بارها موضوع‌هایی را از دستور کار خویش خارج ساخته است تا دیوان بتواند در مورد آنها تدابیری را توصیه کند. در این خصوص می‌توان به مسئله اسپانیا و مسئله مرز یونان اشاره کرد (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۶ و ۱۷۷). در عمل دیوان بین‌المللی دادگستری بسیار تمایل دارد تا در راستای فعالیت‌های شورای امنیت حرکت کرده و در رسیدگی‌های مشابه، به‌طور هماهنگ و موازی با شورا عمل کند.

همان‌گونه که در قضیه مربوط به اعمال کنوانسیون مربوط به پیشگیری و سرکوب جرم ژنوساید، از موضع‌گیری راجع به وجود حق دفاع مشروع که بوسنی هرزگوین را به دریافت سلاح مجاز می‌کرد، اجتناب نمود. دیوان می‌دانست که شورای امنیت دستور تحریم تسلیحاتی را صادر کرده است و خواستار درگیری علنی با شورای امنیت نبود (غدیر، ۱۳۹۲: ۲۷).

۲. بررسی برتری موقعیت و جایگاه شورای امنیت نسبت به دیوان

۲-۱. برتری جایگاه شورا نسبت به دیوان با این استدلال که دولت محکوم‌له در صورت استنکاف محکوم‌علیه از اجرای حکم دیوان می‌تواند به شورا رجوع کند

همان‌طور که امکان درخواست نظر مشورتی دیوان از سوی شورا (۱۴) را نمی‌توان برتری دیوان بر شورا تلقی کرد، مراجعه به شورای امنیت در جهت اجرای رأی دیوان نیز، برتری نهادی محسوب نمی‌شود. رجوع به یک مرجع در اجرای تصمیم مرجعی دیگر لزوماً به معنای برتری مرجع مراجعه‌شونده نیست. همان‌طور که برای شورای مقام بین‌المللی اعماق دریاها، جایگاه والاتری نسبت به شعبه مخصوص حل و فصل اختلافات مربوط به اعماق دریاها متصور نیست (۱۵). در ضمن، درست است که ماده ۹۴ منشور ضمانت اجرای قابل‌اتکا و مستحکمی چون شورای امنیت را برای تخلف از اجرای احکام صادره از دیوان در نظر گرفته است، ولی حتی در صورت عدم اقدام شورای امنیت به این مهم، به هر دلیلی، رأی دیوان کماکان الزام‌آور است و به‌راستی این از اعتبار حکم دیوان نمی‌کاهد. درعین حال رجوع دولت ذینفع به شورای امنیت (۱۶)، تنها راه ممکن درخصوص تضمین اجرای احکام دیوان نیست. اجرای احکام مزبور همچنین می‌تواند با اقدام مجمع عمومی، پیش‌بینی ترتیبات خاص در معاهده یا موافقت‌نامه معطی صلاحیت به دیوان، اقدامات متقابل مشابه^۱ یا معامله متقابل^۲ و حتی اقدامات تلافی‌جویانه^۳ محکوم‌له تضمین شود (نجفی‌اسفاد و هادی، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۴). علاوه‌بر این، وتوی ایالات متحده آمریکا بر قطعنامه مربوط به اجرای حکم دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه (۱۹۸۶) (۱۷) که اصل مسلم حقوقی «هیچ‌کس نباید قاضی دعوی خود باشد»^۴ را آشکارا

1. Retorsion
2. Resiprocity
3. Reprisals
4. Nemo debet esse judex in propria sua causa.



نقض کرد (۱۸)، به وضوح نشان داد که ضمانت اجرای مراجعه به شورای امنیت برای اجرای احکام دیوان، چندان هم قابل اتکا نیست.

۲-۲. برتری جایگاه شورا نسبت به دیوان با استناد به انتخاب قضات دیوان از سوی شورا

ماده ۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که منضم به منشور و از اعتبار برابری با منشور برخوردار است، اعلام می‌دارد: «دیوان بین‌المللی دادگستری، هیئتی از قضات مستقل است». این تعریف خود بیانگر این است که دیوان مستقل از دیگر مراجع بین‌المللی یا حتی دیگر ارکان سازمان ملل، فعالیت خواهد کرد. انتخاب قضات دیوان از سوی شورا، صرفاً رویه‌ای بی‌تأثیر بر تصمیمات اتخاذی دیوان است.

با اینکه دادگاه بین‌المللی با تصمیم دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود، ولی پس از ایجاد، مستقل از مرجع ایجادکننده، به کارویژه قضایی خود می‌پردازند. نظر مشورتی دیوان در قضیه آثار احکام غرامت صادره از سوی دادگاه اداری سازمان ملل متحد، این مهم را این‌گونه بیان کرد: مجمع عمومی در تأسیس ارگان‌های قضایی مانند دادگاه اداری سازمان ملل متحد مختار بود، ولی پس از ایجاد آن، حق ندارد از ترتیب اثر دادن به احکامش سر باز زند (۱۹). در عین حال، این حقیقت را نباید نادیده گرفت که از زمان آغاز به کار دیوان، پنج عضو دائم شورای امنیت همواره در دیوان قاضی داشته‌اند و این موضوع تقریباً به‌عنوان یک عرف رعایت می‌شود (۲۰).

۲-۳. بررسی امکان ایجاد صلاحیت برای دیوان به واسطه ارجاع پرونده از شورای امنیت

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌مانند دیوان بین‌المللی کیفری، در عمل توصیه شورای امنیت را برای احراز صلاحیت خود به منظور رسیدگی به اختلافات بین‌المللی کافی نمی‌داند. دیوان در قضیه کانال کورفو، صرف وجود توصیه شورای امنیت را برای احراز صلاحیت خود کافی ندانست (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۴۰۳). در کانال کورفو که مربوط به اختلاف میان آلبانی و انگلستان بود، شورای امنیت از آلبانی که عضو سازمان ملل متحد نبود، دعوت کرد که مشروط بر پذیرش تعهدات یک عضو ملل متحد، در مذاکرات شورا مشارکت کند. آلبانی شرط مزبور را می‌پذیرد و متعاقب آن، شورای امنیت در سال ۱۹۴۷، طی قطع‌نامه‌ای



به طرفین اختلاف توصیه می‌کند، فوراً اختلاف خود را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع نمایند. آلبانی (خواننده) اعلام می‌دارد که توصیه‌نامه شورای امنیت را کاملاً می‌پذیرد و در قضیه موجود، خود را ملتزم به عدالت می‌داند و اعتقاد خود را به اصل همکاری دوستانه میان ملت‌ها و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها اعلام می‌نماید و نزد دیوان حاضر می‌شود؛ در ادامه دیوان با رد ایراد آلبانی مبنی بر «غیرقابل پذیرش بودن دعوی» (۲۱)، اعلامیه آلبانی را که صرف نظر از غیرقانونی بودن اقدام انگلستان، آماده است که در دیوان حضور یابد، اعراض از حق استناد به غیرقابل پذیرش بودن درخواست، تلقی می‌کند (موسوی میرکلائی، ۱۳۹۰: ۴۲ و ۴۳). این قضیه به روشنی آشکار می‌سازد که صلاحیت دیوان، صرفاً رضایی است و بدون ابراز این رضایت از سوی طرفین اختلاف، دیوان صالح به رسیدگی نیست و شورای امنیت نمی‌تواند با تصمیم به ارجاع پرونده به دیوان، همان‌طوری که در دیوان بین‌المللی کیفری اتفاق می‌افتد (۲۲)، بدون رضایت طرفین دعوی برای دیوان ایجاد صلاحیت کند.

۲-۴. برتری جایگاه شورا نسبت به دیوان با استناد به ماده ۱۲ منشور (۲۳)

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی دیوار حائل ۲۰۰۴ اعلام می‌دارد که اقدام مجمع عمومی برای درخواست نظر مشورتی مطابق ماده ۱۲ منشور است و در نتیجه دیوان صالح به رسیدگی است. به عقیده دیوان پس از تصویب منشور به تدریج تفسیر خاصی از ماده ۱۲ رواج یافته است. به طور مثال در قضیه کنگو ۱۹۶۱ و قضیه مستعمرات پرتغال ۱۹۶۳، با آنکه این قضایا در دستور کار شورا قرار داشتند، مجمع عمومی توصیه‌هایی کرد. به واقع، در رویه شورا و مجمع تمایل فزاینده‌ای وجود دارد مبنی بر این‌که دو رکن درخصوص موضوع‌های مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی به موازات یکدیگر فعالیت کنند. البته شورای امنیت وضعیتهای و اختلاف‌ها را صرفاً از حیث جنبه‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهد، درحالی‌که مجمع عمومی با دیدی وسیع‌تر به جنبه‌های بشردوستانه، اجتماعی و اقتصادی هر وضعیتی یا اختلاف می‌پردازد (موسوی زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

بنابراین از مباحث اخیر و رویه حقوقی دیوان می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که هیچ سلسله‌مراتبی در روابط میان دیوان و شورا متصور نیست و هیچ‌یک از دو رکن بر دیگری برتری ندارند (Akande, 1997: 313).

هنگامی که ارکان یک سازمان در یک سطح هستند، ضرورتی ندارد که میان آنها یک برتری یا سلسله‌مراتب^۱ ایجاد شود. این پرسش که آیا در حقوق بین‌الملل، سازوکاری برای کنترل بر تصمیمات ارکان سازمان ملل وجود دارد یا خیر؟ پرسش صحیحی است، ولی نباید به دنبال یک سازوکار ضمانت اجرایی و جبرانی^۲ بود، بلکه باید یک سازوکار مبتنی بر همکاری را جستجو کرد. چون فضایی را که سازمان ملل و ارکان آن در آن زیست می‌کنند (حقوق بین‌الملل)، فضایی مبتنی بر همزیستی است و این اقتضای حقوق بین‌الملل است که بسیاری از سازوکارها در این حوزه، خودگردان و خودسامان هستند (مجبی، ۱۳۹۴: ۲۲).

فرجام

شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری دو رکن اصلی سازمان ملل متحد هستند که بر اساس منشور سازمان ملل، هیچ برتری بر یکدیگر ندارند و مواد ۹۴ (مراجعه به شورا به منظور اجرای رأی دیوان) و ۹۶ (امکان درخواست نظر مشورتی دیوان از سوی شورا) منشور و ماده ۸ اساسنامه دیوان (انتخاب قضات دیوان در شورا) را نمی‌توان مبنایی برای برتری شورا بر دیوان تلقی کرد. در واقع، این دو رکن باید تلاش کنند تا در کنار یکدیگر اهداف سازمان ملل را تحقق بخشند و پیش شرط اولیه ایجاد این همکاری این است که از اقداماتی که منجر به برهم‌زدن این ارتباط دوطرفه می‌شود، پرهیزند. این دو رکن به‌خوبی به این مهم واقفند و در اقدامات خویش به‌درستی این امر را مدنظر قرار می‌دهند. در مواردی همچون قبرس، آفریقای جنوبی، آنگولا، رودزبای جنوبی، بوسنی هرزگوین و سومالی این دو رکن یک مسئله مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را به‌طور هم‌زمان مورد مذاقه قرار دادند و شورای امنیت نیز در برخی موارد موضوع‌هایی را از دستور کار خویش خارج ساخته است تا دیوان بتواند در آن موارد اقدام کند (مسئله اسپانیا و مسئله مرز یونان). همچنین، دیوان در چهار موردی (قضیه لاکربی، نظریه مشورتی نامیبیا، قضیه بوسنی هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو و قضیه هزینه‌های خاص) که امکان بررسی اقدامات شورا را به‌دست آورد، آگاهانه از این امر اجتناب کرد و شورای امنیت نیز در قضیه شرکت نفت ایران-انگلیس، همین رویه را در پیش گرفت.



از آنجایی که دیوان و شورا، صلاحیت‌های متمایزی دارند (شورا، صلاحیت سیاسی و دیوان، اشتغال قضایی دارد) و این صلاحیت‌ها به‌طور مجزا اعمال می‌شوند، طرح هم‌زمان یک اختلاف در این دو رکن امکان‌پذیر است. در واقع، همان‌طور که در رویه دیوان (قضیه نیکاراگویه و نظریه مشورتی دیوار حائل) و رویه شورا (قضیه لاکربی) قابل مشاهده است، امکان پرداختن شورا به موضوعات حقوقی و پرداختن دیوان به موضوعات سیاسی وجود دارد.



پی‌نوشت‌ها:

- (۱) اگرچه در عمل شورا زمانی تشکیل جلسه می‌دهد که درخواستی را از سوی دولت‌ها، مجمع عمومی یا دبیرکل دریافت کند (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۳۶۸).
- (۲) با توجه به این واقعیت که دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای از مدل صلاحیت غیراجباری دیوان فاصله می‌گیرند و به‌جز دادگاه جدید دیوان بین‌المللی حقوق دریاها (ITLOS) و دادگاه کشورهای عربی صادرکننده نفت (OPEC)، سایر نهادهای حل و فصل اختلاف که پس از دیوان بین‌المللی دادگستری ایجاد شده‌اند، دارای صلاحیت اجباری هستند، فقدان صلاحیت اجباری برای دیوان لاهه به معنای غیرقابل اعتماد بودن این نهاد قضایی تلقی نمی‌شود (Alter, 2008: 63).
- (۳) دیوان نیز در رعایت اصل رضایی بودن بر خود بسیار سخت گرفته است. دیوان در قضیه تیمور شرقی در سال ۱۹۹۵ و در قضیه فعالیت‌های نظامی در کنگو به ترتیب اعلام کرد که حتی ماهیت عام‌الشمول یا آمره بودن یک مسئله، تأثیری بر رضایت دولت طرف اختلاف نسبت به بررسی موضوع در دیوان نخواهد داشت (سادات‌میدانی، ۱۳۸۹: ۱۶۱).
- (۴) ICJ Reports, 1996 (I) :234, para. 13.
- (۵) همان‌طور که شورای امنیت طی قطعنامه مورخ ۹ آوریل ۱۹۴۷ از آلبانی و انگلستان (در قضیه کانال کورفو) خواست تا چنین کنند.
- (6) SC Res. 748, 31 March 1992, SC Res. 883, 11 November 1993.
- (7) Case Concerning Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United States of America), Order of 14 April 1992, para. 42.
- (8) Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa), I.C.J., 21 June 1971.
- (9) CIJ Reports, 1971, para. 89.
- (10) Application of the Convention on Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, Provisional Measures, I.C.J. 20 March 1993.
- (11) Application of the Convention on Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, Provisional Measures Order (ORDER 13 IX 93), para. 41.
- (12) Certain Expenses of the U.N. I.C.J. 1962: 168.
- (13) CIJ Reports, 1984: 436, para. 95.



(۱۴) شورای امنیت در تمام سال‌های فعالیت خود تنها یک‌بار - در قضیه آثار حقوقی حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا - اقدام به این عمل کرده است که این امر نشان از کم‌میلی شورا در توسل به دیوان می‌دهد.

(۱۵) طبق مواد ۱۶۲ و ۱۸۵ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)، شورای مزبور بر اجرای تصمیمات شعبه اختلافات بستر دریاها نظارت دارد که خود متضمن دستوراتی درخصوص اجرای تصمیمات است و در صورت لزوم جلب نظر و توجه مجمع نیز ضروری است. شورا همچنین می‌تواند به اخذ نظر مشورتی از شعبه اختلافات بستر دریاها مبادرت نماید. در این صورت، مقام بین‌المللی اعماق می‌تواند به اقدامات تنبیهی دست یازد و امتیازات و حقوق عضویت دولت خاطی را به توصیه شورا معلق سازد (میرعباسی و سادات میدانی ۱، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

(۱۶) درحالی‌که در دیوان بین‌المللی دادگستری، تنها دولت ذینفع حق دارد تا اجرای رأی را با توسل به شورای امنیت پیگیری کند، این قید در جامعه ملل و دیوان دائمی وجود نداشت. بند ۴ ماده ۱۳ منشور جامعه ملل بیان می‌داشت که این اقدامات باید به‌طور خودکار و صرف‌نظر از هرگونه شکایت رسمی از سوی ذینفع، به اجرا درآیند. (Llamzon, 2008: 822).

(۱۷) پیش از قضیه نیکاراگوئه نیز، شورا در قضیه شرکت نفت ایران - انگلیس در سال ۱۹۵۱، پیش‌نویس قطعنامه ارائه‌شده از سوی انگلستان را که در راستای ماده ۹۴ منشور و اجرای قرار دیوان نگاشته شده بود، رد کرد. (Tanzi, 1995: 544).

(۱۸) شورای امنیت به‌عنوان رکن اصلی سازمان ملل باید در جهت تحقق اهداف منشور و سازمان ملل گام بردارد و ممانعت این رکن در اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان تعهدی ناشی از منشور با رسالت این مسئول اولیه صلح و امنیت بین‌المللی در تناقض فاحش است.

(19) Effects of Awards of Compensation by the United Nations Administrative Tribunal Case, Advisory Opinion, 1954: 56.

(۲۰) فقط دولت چین بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۴ در دیوان قاضی نداشت.

(۲۱) دولت آلبانی با توجه به این‌که خود در ابتدا موافقت کرد که اختلاف در دیوان رسیدگی شود، در اقدامی عجیب، اعتراض مقدماتی خود بر مبنای عدم قابلیت پذیرش درخواست انگلستان را در مدت‌زمان تعیین‌شده از طرف دیوان برای تبادل لوایح، تسلیم دیوان نمود.

(۲۲) طبق بند ۲ ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، شورای امنیت می‌تواند با صدور قطعنامه‌ای بر طبق فصل هفتم منشور، وضعیتی را به دیوان ارجاع دهد و در این خصوص رضایت هیچ دولتی شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست.

(۲۳) بند ۱ ماده ۱۲ منشور سازمان ملل متحد: تا زمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، در حال انجام وظایفی است که در این منشور بدان محول شده است، مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهد کرد مگر اینکه شورای امنیت چنین تقاضایی بکند.

منابع

الف - فارسی

- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجد.
- سادات میدانی، سیدحسین (۱۳۸۹). «تفسیر معاهدات بین‌المللی به‌عنوان عامل گسترش خزننده صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری: تجربه پرونده سکوه‌های نفتی»، *مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل*، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- سیفی، سیدجمال (۱۳۸۲)، «تأملی بر دعاوی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، سال دوم، شماره ۳.
- سیفی، سیدجمال (۱۳۸۹)، *دیوان بین‌المللی دادگستری رکن اصلی قضایی ملل متحد*، *مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل*، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- غدیر، منصف (۱۳۹۲)، *روش کار قاضی بین‌المللی*، ترجمه و تحقیق محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی، چاپ دوم، تهران: شهر دانش.
- مجیبی، محسن (۱۳۹۴)، «جزوه درسی درس تحلیل محتوای آراء و احکام قضایی و داوری بین‌المللی»، واحد علوم و تحقیقات تهران، ترم دوم سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴.
- موسوی میرکلانی، سیدطه (۱۳۹۰). «نقش شورای امنیت در ایجاد صلاحیت برای دیوان بین‌المللی دادگستری»، *مجله تعالی حقوق*، سال چهارم، شماره ۱۵.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۹). *استدلالات دیوان بین‌المللی دادگستری در رد ایرادات وارده بر صلاحیت و رسیدگی ماهوی به قضیه آثار حقوقی ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین*، *مجموعه مقالات همایش نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تداوم و توسعه حقوق بین‌الملل*، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- موسی‌زاده، رضا و ابراهیم کوهی (۱۳۸۹)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت*، تهران: میزان.
- میرعباسی، سیدباقر و سیدحسین سادات‌میدانی (۱۳۸۹)، *دیوان بین‌المللی دادگستری (مسائل روز، چکیده آراء و اسناد)*، چاپ دوم، تهران: جنگل.
- نجفی‌اسفاد، مرتضی و مهدی هادی (۱۳۸۴)، «ضمانت اجرای آرای دیوان بین‌المللی دادگستری»، *مجله نامه حقوقی*، شماره ۲.



ب- انگلیسی

- Akande, Dapo. (1997) "The International Court of Justice and the Security Council Is There Room for Judicial Control of Decisions of the Political Organs of the United Nations", *International Comparative Law Quarterly*, Vol.46, No.2: 309-343.
- Alter, Karen J. (2008) "Delegating to International Courts: Self-binding vs. Other binding Delegation," *Law and Contemporary Problems*, Vol.71, No.1: 37-76.
- Cronin-Furman, Kathleen Renee. (2009) "The International Court of Justice and the United Nations Security Council Rethinking a Complicated Relationship", *Columbia Law Review*, Vol.106: 435-463.
- Fassbender, Bardo. (2000) "The Security Council, Its Powers and Its Legal Control Its Powers and Its Legal Control", *European Journal of International Law*, Vol.11, No.1: 219-232.
- Gray, Christine. (2003) "The Use and Abuse of the International Court of Justice: Cases Concerning the Use of Force after Nicaragua", *European Journal of International Law*, Vol.14, No.5: 867-905.
- Llamzon, Aloysius P. (2008) "Jurisdiction and Compliance in Recent Decisions of the International Court of Justice", *European Journal of International Law*, Vol.18, No.5: 815-852.
- Plachta, Michel. (2001) "The Lockerbie Case The Role of the Security Council in Enforcing the Principle Aut Dedere Aut Judicare", *European Journal of International Law*, Vol.12, No.1: 125-140.
- Roberts, Ken. (1995) "Second-Guessing the Security Council_ The International Court of Justice and Its Powers of Judicial Review," *Pace International Law Review*, Vol.7, Issue.2: 281-327.
- Tanzi, Attila. (1995) "Problems of Enforcement of Decisions of the International Court of Justice and the Law of the United Nations", *European Journal of International Law*, Vol.6, No.4: 539-572.

